

مالیات («باج»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») در اندیشه‌های ایرانی شهری

سید محمد فتح‌اله زاده^۱

میر جلیل اکرمی^۲

چکیده

در نظام مالیاتی باج و خراج منبع مهم درآمد ایران شهر را تشکیل می‌داد. این منابع از طریق پرداخت باج و خراج مردم داخل کشور و یا باج گیری و خراج ستانی شهریاران ایرانی شهری از پادشاهان کشور های دیگر، تأمین می‌شد. در این راستا بیشتر فرمانروایان و پادشاهان سرزمین ها و ممالک، سهم و نقش بسزایی داشتند. در اساطیر ایران سرزمین هایی چون هاماوران، چین، هند و ... از جمله کشور های باج گزار ایرانی شهری ها بودند؛ البته بعضی از کشور ها با ایرانی ها یا در جنگ و ستیز بودند و یا صلح و آشتی. به هر حال شهریاران مقتدر ایرانی شهری از این کشور ها و ممالک دیگر باج و خراج می‌ستانیدند. در این پژوهش و تحقیق ضمن بررسی و استخراج «باج ها»، «خراج ها» و چگونگی باج ستانی و خراج پردازی و کیفیت استفاده از آن در عمران و آبادی و امنیت ایران شهر کوشیده شده است. روابط سیاسی و رفتار شهریاران ایرانی شهری در گرفتن مالیات (باج و خراج) در زمان صلح و یا هنگام جنگ در مواجهه و برخورد با فرمانروایان و پادشاهان کشور ها و ممالک مختلف جهان و مردم ایران شهر مورد ارزیابی قرار گیرد. در این میان توجه و نظر شهریاران ایرانی شهری در اخذ باج و خراج از اقشار مردم ایران شهر بیشتر بوده است.

کلید واژه‌ها: باج، خراج، شهریار، ایران شهر، مالیات

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

s.m.fath1440@gmail.com

۲- استادیار دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

m-akrami@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱۷

مقدمه

«باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید» که امروزه به آن مالیات می‌گویند؛ نوعی مالیاتی بود که پادشاهان و فرمانروایان به کمک عوامل و گماشتگان و کارداران آنها به صورت پول، زر، گوهر، زمین و هر نوع مالی از رعیت، کشاورزان، صنعتگران، و دهقانان به اندازه درآمد آنها به صورت نقدی و غیر نقدی می‌گرفتند و پادشاهان ایرانشهری مقتدر و پیروز و قوی از شاهان و حاکمان مغلوب از زیر دست می‌ستانیدند.

از دغدغه‌های مهم پادشاهان ایرانشهری؛ داشتن وضعیت اقتصادی بهتر برای ادامه حکومت و امنیت کشور بود. وضعیت اقتصادی از مشکلات و دشواری‌هایی بود که حتی در تثبیت ساختار سیاسی حکومت تأثیر می‌گذاشت.

وضعیت اقتصادی، بازرگانی، تجاری شاهنشاهی ایرانشهری از دیرباز مورد مطالعه پژوهشگران و مورخان و ادیبان بوده است؛ اما در خصوص «باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید» (مالیات) در آثار شاعران سبک خراسانی تحقیقی انجام نگرفته است و اگر تحقیقی هم شده، در تاریخ ایران و بر مبنای نوشته‌های تاریخی، سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها بوده است.

باج و خراج ادواری در اندیشه‌های ایرانشهری که شامل دوره‌های اساطیری، پهلوانی و تاریخی هستند، به انحاء و روش‌های مختلف از کشورها و ممالک مختلف جهان و از مردم ایرانشهر گرفته می‌شد؛ سیاست‌ها و اقتدار و رفتار شهریان ایرانشهری، موقعیت‌ها و مکان‌های متناسب اعمال گردیده است. در این پژوهش چگونگی و کیفیت استفاده، عکس‌العمل و واکنش باج‌گزاران و خراج‌دهندگان و باژستانان، مقدار و اندازه باج دهی و خراج‌پردازی و محل ثبت و نگهداری باج و خراج تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی و اندیشه‌های سیاسی ایرانشهری مورد توجه قرار گرفته است.

بیان مسئله و سوالات تحقیق

مالیات یکی از اصلی‌ترین بنیان‌ها و مبانی و پایه‌های اقتصادی کشور است که در اندیشه‌های سیاسی ایرانشهری‌ها تأثیر گذار بوده است.

تاریخ‌نویسان، جامعه‌شناسان، شاعران، سخن‌سنان، و سیاستمداران در دیدگاه‌های خود به چالش‌های شهریان ایرانشهری در چگونگی گرفتن مالیات به این امر مهم توجه داشته‌اند.

مالیات («باژ»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۷۵|||

در این راستا این تحقیق برای پاسخگویی به پرسشهای زیر است:

- ۱- گرفتن مالیات (باژ و خراج) از چه زمانی در ایران مرسوم بوده است؟
- ۲- شهروندان ایرانی در گرفتن مالیات (باژ و خراج) چه نوع سیاستی داشته اند؟
- ۳- مالیات ها (باژ و خراجها) از سوی شهروندان ایرانی چگونه گرفته و در چه زمینه های هزینه می شده است؟

اهداف و ضرورت تحقیق

ایران شهری با در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خود روش ها و شگردهای مخصوص به خود را داشتند، که یکی از آنها گرفتن مالیات (باژ، ساو، گزیت، و گزید) بوده است. هدف از این تحقیق آشنایی بیشتر با مالیات (باژ، ساو، خراج، ساو، گزیت و گزید) و شناخت بهتر روش ها و کیفیت و چگونگی گرفتن مالیات از طرف شهروندان ایرانی است که جای خالی این موضوع در تاریخ سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران احساس می شود.

پیشینه ی تحقیق

در حوزه ی مالیات ایران پیش از اسلام پژوهش هایی انجام گرفته ، و مقالاتی نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

« برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی» (بر اساس مدارک باستان شناسی و منابع تاریخی) از حسنعلی عرب و حسین صادقی (۱۳۹۲) با رویکرد اقتصادی سعی در بررسی جایگاه مالیات در ایران باستان، دیوان مالی و منابع درآمد دولت ساسانی داشته اند.

« بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان» از علی اصغر میرزایی (۱۳۹۴) به تحلیل نظام مالیاتی پادشاهی دوران ساسانی پرداخته است.

« باژ » و « ساو » در شاهنامه» از آمنه طاهری عبدوند (۱۳۷۷) در این مقاله به ۲۱ نفر اشخاص که « باژ » و « ساو » از زمان منوچهر تا یزدگرد سوم گرفته اند، اشاره شده است.

باتوجه به موارد ذکر شده ، تاکنون هیچ گونه بررسی دقیقی و جامعی درباره مالیات (باژ و خراج) در اندیشه های سیاسی ایرانی شهری ها به این روش انجام نگرفته است.

بحث‌ها و یافته‌های این تحقیق

۱- ادواری

گرفتن باج و خراج در ایران شهر از دیرباز مرسوم بوده و قدمت آن به روزگاران باستان برمی‌گردد. براساس اندیشه‌های ایرانشهری در آثار حماسی سبک خراسانی به ویژه در شاهنامه به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱-۱- اساطیری

فردوسی و شاعران هم‌اندیشه او از جمله اسدی طوسی گرفتن باج و خراج فریدون و فرستادن گرشاسب به سوی کشورهای باژ گزار، به ویژه فغفور چین به نظم کشیده‌اند:

بر او باژ و ساو همه چین نخست نبشت و ستد عهدی از وی درست
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۲۷)

به لشکر پیمای توران زمین ستان باژ خاقان فغفور چین
(همان: ۳۲۴)

بخوانش به فرمانبری پیش باز بگو باژ پذیر یا رزم ساز
(همان: ۳۴۰)

فردوسی هم از باژ و ساوهای اساطیری می‌گوید: در زمان منوچهر؛ مهرباب نامی که پادشاهی کابل را داشت و نژادش به ضحاک می‌رسید و به سام، باژ و خراج می‌داد:

همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو
(فردوسی، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

در تجارب الامم، باج ستانی و خراج‌گزاری به عهد منوچهر نسبت داده شده و او را اولین پادشاه وضع‌کننده باج و خراج دانسته است (مسکویه، ۱۳۶۹: ۶۴).

در تاریخ بلعمی با عنوان اندر خطبه کردن منوچهر الملک، مطالب زیادی و مضامین گسترده‌ای درباره قانون‌گذاری ایشان در باج و خراج آمده است (بلعمی، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۷).

مالیات («باج»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۷۷\|

۲-۱- پهلوانی

در قسمت پهلوانی شاهنامه و دیگر منظومه های حماسی، دلاوری ها و دلدادگی های پهلوانان ایران- شهری کاملاً به چشم می خورد: سام در زمان منوچهر به عنوان دارنده سرزمین های نیمروز و زاوولستان و هندوستان از مهرباب کابلی باژ و ساو می گیرد و در اختیار پادشاهان ایران شهری خراج می گذارد: همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو (فردوسی، ۱۳۷۳: ۱۵۰)

۳-۱- تاریخی

این دوره از سلطنت بهمن مقدمات اختلاط و آمیزش ادوار پهلوانی و تاریخی شروع با شکست ایرانیان از عرب در زمان یزدگرد سوم و کشته شدن او پایان می یابد که کیفیت و چگونگی باج و خراج در زمان ساسانیان بیشتر انوشیروان ساسانی و اردشیر نمود پیدا می کند و اندیشه های سیاسی، تاریخی و اجتماعی ایران شهری در جامعه آن عصر و تقسیم باج و خراج به نسبت طبقات اجتماعی شکل جدی به خود می گیرد. [تاریخ بلعمی در پادشاهی انوشیروان عادل به این امر پرداخته است] (بلعمی، ۱۳۸۰؛ ۷۲۳-۷۲۲).

برای خسرو پرویز، در ششمین سال پادشاهی خود، از همسرش مریم که دختر قیصر روم بود، پسری به دنیا آمد. قیصر روم چهار میلیون دینار به ایران شهر فرستاد:

به مریم فرستاد چندی گهر	یکی نره طاووس کرده بزر
چه از جامه نرم رومی حریر	ز در و زبرجد یکی آبگیر
همان باژ کشور که تا چار بار	ز دینار رومی هزاران هزار

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۴/۱۰۰۵-۱۰۰۶)

۲- سیاست و اقتدار شهریاران ایران شهری در گرفتن باج و خراج

قدرت و توانمندی و اقتدار و برتری فکر و اندیشه پادشاهان می تواند اقشار مختلف مردم جامعه و شهریاران کشورها را به فرمانبرداری و اطاعت از او در بیاورد. بنابراین در اندیشه ایران شهری قدرت های سیاسی پادشاهان با به کارگیری عناصر فرهنگ و نظامی توانسته بودند مقاصد خود را پیش برده و

بنیان حضور خویش را بر همگان و شاهان جهان تثبیت بخشد. این امر یعنی گرفتن «باژ و ساو» (باج و خراج و مالیات). با توجه به شاهد شعری حماسه سرایان ایرانی به پنج روش انجام می شد:

۱-۲- با رفق و مدارا و صلح و دوستی

پادشاهان ایرانی سعی می کردند از کشور های قدرتمند و دارای ثروت با خوشی و رفق و مدارا باج و خراج بگیرند. فریدون به گرشاسب دستور می دهد که از توران زمین و همچنین از فغفور چین با دوستی و زبان خوش باج و خراج بگیرد و اگر خود داری کند، با او به جنگ پردازد:

به لشکر بیمای توران زمین ستان باژ خاقان و فغفور چین

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۳۴)

بخوانش به فرمانبری پیش باز بگو باژ بپذیر یا رزم ساز

(همان: ۳۴۰)

گرشاسب از طرف فریدون به پادشاه توران زمین نامه می نویسد و از باژ گرفتن کاوه از خاور سخن می گوید و از فغفور چین می خواهد دوستانه و با اطاعت از فرمان شاه باژ و خراج ایرانی ها را پردازد. (همان: ۳۶۶)

فرستادگان قیصر جوان روم به ایرانشهر می آیند و صمیمانه و دوستانه از انوشیروان می خواهند تا باژ و ساو بپذیرد و دوستی و صلح مثل سابق بین این دو کشور باقی بماند:

همه سر به سر باژ دار توایم پرسستار و در زینهار توایم

(فردوسی، ۱۳۷۳/۸: ۳۰۰)

۲-۲- با خصومت و دشمنی

پادشاهان ایرانی در وهله اول سعی و تلاش آنها بر این بود به خاطر دوستی از شهریاران کشور های دیگر بر اساس عهد و پیمانی که بسته بودند باژ و خراج بگیرند، وقتی می دیدند آنها از دادن باژ و خراج استنکاف می ورزند، با خصومت و دشمنی به باج ستانی و خراج گرفتن می پرداختند. بهو پادشاه قنوج و رای به گرشاسب پیام می فرستد و آمادگی خود را در پرداخت سه برابر باژ و خراج سالهای گذشته اعلام می کند تا خصومت و دشمنی به دوستی تبدیل شود:

اگر از پی باژ شاه آمدی به فرمان او کینه خواه آمدی

مالیات («باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۷۹|||

ببین هدیه و باژ کز گنج خویش چه دادست مهرج هر سال پیش
سه چندان دهم من به فرمانبری دگر خلعت و هدیه ها بر سری
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۹۵)

۳-۲- با ارباب و تهدید

قدرت نمایی و مانور نظامی، نشان دادن توان سپاه، زهر چشم گرفتن، ایجاد ترس و وحشت از جنگ های روانی است که بنیاد و بنیان سیاست یک کشور قدرتمند به حساب می آید. فریدون از گرشاسب می خواهد خاقان و فغفور چین را با ارباب و تهدید وادار به پذیرفتن باج و خراج بکند:

یکی نامه آکنده از خشم و کین بیارای نزدیک فغفور چین
بگو باژ و ساو آنچه باید بساز چو خاقان یغر زود پیش آی باز
وگر نه پیای اندر آرم سرت نهم بر سر از موج خون افسرت
(همان: ۳۶۵)

۴-۲- با لشکرکشی

داشتن سپاه منظم و لشکر بی شمار در نیل به اهداف سیاسی و نظامی هر کشوری اهمیت حیاتی دارد. شاهان ایران شهر با مجهز به تسلیحات جنگی آن زمان و داشتن نیروهای کارآمد و جنگجو، می توانستند با لشکرکشی و سپاه آرایبی خود باج و خراج را از کشورهای دشمن بستانند. گرشاسب به خاقان چین نامه می نویسد که آنچه سزاوار و آیین باژ و ساو است، طبق آن به ایران شهر پردازد و اگر استنکاف ورزد، لشکری برای جنگ آماده کند:

سزا باژ پذیر و هدیه بساز وگر نه به جنگ آر لشکر هزار
(همان: ۳۴۲)

۵-۲- با جنگ و خون ریزی

ایران شهری ها که در رأس امور آنها پادشاه قرار داشت، برای گرفتن باج و خراج به جنگ و ستیز می پرداختند. پادشاه کابل از گرشاسب، پهلوان ایرانی شکست خورده، نامه ای به او می فرستد تا دوباره به ایرانیان باج و خراج بدهد تا جنگ و خونریزی ادامه نیابد (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۶۵).

۸۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

در دوره ساسانیان؛ بهرام گور که بعد از یزدگرد بزه گر به پادشاهی رسیده است، شاه هند را با جنگ و خون ریزی تهدید به باج دهی و خراج پردازی می کند:

فرستادم اینک فرستاده‌ای سخنگوی و با دانش آزاده‌ای

اگر باژ بفرست اگر جنگ را به بی دانشی، سخت کن تنگ را

(فردوسی، ۱۳۷۳ / ۷: ۴۱۳)

۳- مکان گرفتن باج و خراج در سرزمین ایران شهر

شهریاران ایران زمین در باج داری و خراج ستانی سیاست های داهیان و زیرکانه ایران شهری را داشتند که شامل سیاست داخلی یا درون کشوری و خارجی یا برون مرزی بود:

۳-۱- درون شهری (داخل کشور)

پادشاهان ایران شهری از مردم متمول و ثروتمند و شاغل و دارای کار و حرفه ی شهرها، دهات، روستاها، دهقانان، کشاورزان، برزگران، درودگران، صنعت گران و... با اصول و موازین و قوانین ایران شهری به کمک مأموران و گماشتگان ویژه خود باژ و خراج می گرفتند:

۳-۱-۱- شهرها

توجه به شهر و شهر نشینی در دوره های قبل از ساسانیان بیشتر بوده است، اما در زمان ساسانیان شهرها پیشرفت چشمگیری داشتند. اردشیر، اولین پادشاه ساسانیان، از چگونگی باژ و ساو گرفتن از شهرهای ایران می گوید:

زده یک مرا چند بر شهرهاست که دهقان و موبد بر آن بر گواست

(همان: ۱۸۱)

در «التنبیه و الاشراف» آمده است: «انوشیروان اول کسی بود که رسوم خراج نهاد و ترتیب آن را معین کرد» (مسعودی، ۱۳۶۵: ۹۵).

۳-۱-۲- مرزها

مرزبندی و مفهوم مرز در بین ملت های مختلف تاریخ و پیشینه دیرینه دارد. اصل و منشا سرحد و مرز ایرانیان به دوران اساطیری می رسد و در دوران تاریخی که ساسانیان آخرین آنهاست نیز به حدود و

مالیات («باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۸۱۱۱۱

ثغور قلمرو خویش واقف بودند، مرزهای مشخصی داشتند و پادشاهان از مرزها هم باج و خراج می گرفتند.

گرشاسب، پهلوان ایرانی، با اعتقاد به اندیشه های سیاسی ایرانشهری گرفتن باج و خراج را حق بایسته پادشاه می داند و بعد از گرفتن آن از سرزمین های خاور و روم به فریدون می فرستد:

خراج همه خاور و باژ روم هر آنچه آورید از دگر مرز و بوم
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۲۶)

۳-۱-۳- دهات و روستاها

دهات و روستاها در ایرانشهر از دیرینه ترین و قدیمی ترین زمان کوچکترین واحد اجتماعی و تشکیلاتی بوده است که در آن گروه هایی از مردم زندگی اجتماعی داشتند و در زمینه های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی گردهم جمع می شدند. در شاهنامه، دهقانان فقط شهری نبودند؛ بلکه دهقان روستایی و دهاتی هم بودند:

یکی روستا بود نزدیک شهر که دهقان و شهری بدو بود بهر
(رواقی، ۱/۱۳۹۰: ۱۱۶۹)

پادشاهان ایرانشهری از دهات و روستا هم باژ و ساو می گرفتند، در این دهات، دهقانان هم زندگی می کردند:

گزیتی نهادند بر یکک درم گرایدونک دهقان نباشد دژم
(فردوسی، ۱۳۷۳/۸: ۵۷)

۳-۲- برون شهری (خراج از ایرانشهر)

در آن زمان دیرینه و روزگاران پیش از اسلام سه رده کشورها بودند که به ایرانیان باژ و ساو می پرداختند:

۳-۲-۱- کشورهای دوست و وابسته

خاور زمین از کشور های دوست ایرانشهری هاست. پادشاه خاور نامه ای را به نزد لهراسب می فرستد. اگر یکی از تخمه سام را فرستد و او پیروز شود، باژ و ساو به ایرانی ها می پردازد:

کنون گر از آن تخمه یکتن برم فرستی به گردون بساید سرم

۸۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

فرستم به هر سال پیش تو ساو زر خاوری پر دوده خم گاو
(مختاری غزنوی، ۱۳۷۷: ۱۰۹)

۳-۲-۲- کشورهای دشمن و متخاصم

کشورهای دشمن ایران شهری تا وقتی که ضعف و ناتوانی و شکست و استیصال به آنها روی نمی آورد، هیچ وقت به ایرانیان باج و خراج نمی دادند؛ زمانی که خود را در مقابل ایران شهری ها و سپاه و لشکر ایرانی مغلوب و شکست خورده می دیدند و یا توانایی جنگ و مقابله با آنها را نداشتند، نسبت به ایجاد پیمان و انعقاد عهد برای باج داری و خراج پردازی اقدام می نمودند. انوشیروان به جنگ قیصر روم لشکر می کشد و بر آنها پیروز می شود قیصر روم اسقف مهراس را برای عذر خواهی و دادن باژ و خراج پیش انوشیروان می فرستد و شاه ایران شهری آن را می پذیرد:

بسی لابه و بند و نیکو سخن پشیمان ز گفتارهای کهن
فرستادن باژ و ساو گران گروگان ز خویشان و گند آوران
نهادند بر روم باژ و ساو پراکنده دنیا، ده چرم گاو
(فردوسی، ۱۳۹۴ / ۲ / ۲ : ۶۴۹)

۳-۲-۳- از دیگر کشورهای جهان

تشخیص کشورهای بی طرف و باج گزار و خراج پرداز آن زمان به ایران شهری ها امر آسانی نیست. اما کشورها بودند از عهد اساطیر تا عصر تاریخی، پادشاهان ایران از آنها باژ و ساو می گرفتند. در زمان پادشاهی منوچهر سام دستان از مهرباب ساو و باج می گیرد:

همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو
(همان: ۱۹۴)

در پادشاهی نوذر کشورهای مختلف باج گزار ایرانیان بودند:

بیامد ز هر کشوری باژ و ساو ز بیم گونامدار تیز تاو
(همان: ۳۸۲: ۶)

در پادشاهی دارا که چهره تاریخی شکل می گیرد، همه کشورهای باج گزار ایران شهر بودند

(فردوسی، ۱۳۷۳: ۶/۳۸۲).

مبایات («باج»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۸۳\|\|

۴- زمان و موقعیت های باج خواهی

زمان به عنوان یکی از پدیده های طبیعی از دغدغه ها و وابستگی های ذهنی بشر بوده است. در حماسه ها بالاخص حماسه های ایرانیان، جلوه های متنوعی از زمان به شکل رویدادها قابل مشاهده است. یکی از این رویدادهای مهم؛ باج خواهی پادشاهان ایرانشهر و باج داری و خراج گزاری شهریاران دیگر کشورها است:

۴-۱- سالانه

وقتی فرستاده شاه ایرانشهر از شهریار کابل باج و خراج می خواهد و با اعتراض او مواجه می شود که سالانه است؛ باج و خراج نه به سالی دو بار، پادشاه ایران خراج را بر او و کشور کابل می بخشد:

شه کابلی گفت کاین نیست داد	شهنشه به بیداد فرمان نداد
تو خواهی خواهد خداوند تاج	به سالی دوبار نباشد خراج
خراج همه کابل و بوم اوی	بدو داد یکسر شه نامجوی

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۳۷)

۴-۲- مقطعی و فصلی

انوشیروان در نامه ای به کارداران و باج دارانش دستور می دهد اگر در بومی و سرزمینی باران نبارد و دانه های کاشته شده نروید و رنج و زحمت کشاورزان بیهوده ماند، به کشاورزان از گنج شاهنشاهی مزد بدهند و باج را ببخشند:

همان گر نبارد به نو روز نم	ز خشکی شود دشت خرم دژم
مخواهید باژ اندرون بوم و رست	که ابر بهاران بیاران بشست

(فردوسی، ۱۳۷۳ / ۸: ۶۰)

۴-۳- سالی دو بار

پادشاهان ایرانشهری، گهگاهی از کشورهای وابسته یا تحت سلطه؛ سالی دو بار باج و خراج می گرفتند. به طوری که فرستاده شاه طبق دستور می خواهد از پادشاه کابل باج بگیرد اما با اعتراض وی مواجه می شود (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۳۷).

۴-۴- سالی سه بار

به دستور کسری انوشیروان؛ نباید به کدیور (برزگر) ستم شود و هر سال سه بار باژ گرفته شود، جای تامل و درنگ است که احتمالاً در دوران شهریاران پیشین سالی سه بار باج می گرفتند:

کسی بر کدیور نکردی ستم به سالی سه بهره بود این درم

(فردوسی، ۱۳۷۳ / ۸: ۵۸)

۴-۵- هر چهار ماه یکبار

انوشیروان در نامه ای به خراج ستانان و باج خواهان پند و اندرز می دهد که هر چهار ماه یکبار خراج را بستانند و آن هم با مهربانی و خوشرویی و آفرین و ستایش همراه باشد.

به هر چار ماهی یکی بهر از این بخواهید با داد و با آفرین

(همان: ۶۰)

۵- چگونگی استفاده از باج و خراج

در اندیشه های سیاسی ایران شهری ها همه ابعاد و چارچوب های یک نظام سیاسی قابل تصور است و بر آنچه در یک جامعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، انسانی و کشور آرمانی لازم الاجرا است، تکیه می شود. از این رو پادشاهان ایران شهری باج و خراج هایی که می گرفتند در این اهداف ایده آل مورد استفاده قرار می دادند:

۵-۱- برای امنیت مردم و آبادانی کشور

برقراری امنیت، آرامش، آسایش و آبادانی کشور که یکی از مسیرهای نیل به مدینه فاضله و ایده آل مردم ایران شهری است، استفاده بهینه از باج و خراج در این راستا است. اردشیر، یکی از شهریاران توانمند ایران شهری، هدف خود را از باج ستانی برقراری امنیت و کوتاه کردن دست دشمنان ایران شهری عنوان می کند:

زده یک من بستدم پیش از این ز باژ آنچ کم بود پیش از این

بزرگی شما جستم و ایمنی نهان کردن کیش اهریمنی

(همان، ۱۸۱: ۷)

مالیات («باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۸۵\|\|

۲-۵- برای داشتن لشکر و سپاه توانمند و بی شمار

اردشیر بابکان هدف خود را از گرفتن باژ و خراج گردآوری سپاه قدرتمند و لشکر بی شمار یاد می- کند:

زده یک من بستدم پیش از این ز باژ آنچه کم بود پیش از این
همی از پی سود بردم به کار به در داشتن لشکر بی شمار
(همان، ۷: ۱۸۱)

در اخبار الطول؛ خسرو پرویز هدف از باج و خراج را تقویت کشور دانسته است (دینوری، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

۳-۵- بخشیدن باج و خراج

پادشاهان ایران شهری با صلاحدید و دستور موبدان و درباریان و گاهی بدون مشورت و رایزنی با آنها به موقعیت توجه می کردند و زمانی از باج دهندگان و خراج پردازان سهم پادشاهی را مطالبه می نمودند و گاهی آنها را می بخشیدند. (فردوسی، ۱۳۷۳/۹: ۲۰۳)

در اخبار الطول، بخشش و معاف کردن باژ و خراج به چهار گروه؛ افراد خاندان های اصیل، مرزبانان، سران کشور و دبیران و خدمتگزاران ذکر شده است. (دینوری، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

۱-۳-۵- به اشخاص و اقشار مختلف جامعه ایران شهری

پادشاهان ایران شهری اختیار داشتند قشرهای مختلف جامعه ایران شهری را مورد عفو قرار دهند، و از آن ها باج و خراج نخواهند. بهرام گور دستور می دهد دیگر از بزرگان، نامداران و مردم سرشناس بر کوی (بر قوه) باژ و ساو نخواهند.

ز بر کوی (برقوه) با نامداران جز ببرند بسیار دیبا و خز
بپذرفت و فرمود تا باژ و ساو نخواهند اگر چندشان بود تاو
(فردوسی، ۱۳۷۳/۷: ۳۷۴)

در زمان بهرام گور (در اخبار الطول) از برداشتن خراج از مردم سرزمین ها اشاره شده است (دینوری، ۱۳۹۰: ۸۵).

۱۱۱۸۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۲-۳-۵- به فرزندان و خویشاوندان

یکی دیگر از بخشش های پادشاهان ایران شهری بخش باج و خراجها بود.
بهرام گور به پدر همسر خود سنگل، پادشاه هندوستان، از بخشیدن باژ کشور می گوید:
به ایران به جای پدر دارمت هم از باژ کشور نیازارمت
(فردوسی، ۱۳۷۳:۷/۴۳۷)

و یا قیصر روم با تأثیر پذیری از ایرانشهری ها باژ و خراج یک کشور را به دخترش مریم می بخشد
(فردوسی، ۱۳۹۴:۲/۱۰۰۵).

۳-۳-۵- به پهلوانان و نامداران

پهلوانان نقش حساس و قابل تأمل در ایرانشهر و اندیشه های سیاسی ایرانشهری دارند.
شهریار ایرانشهری با اختیار و اراده خود همه باج و خراج گرفته شده را به گرشاسپ نامدار می بخشد:
خراج همه بوم خاور زمین دگر هر چه آورده بد همچنین
سراسر بدو داد بسیار چیز به طنجه دگر هر چه بگذاشت نیز
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴:۱۳۲۷)

۴-۳-۵- به دشمن (پادشاهان باج دهنده)

زمانی موقعیتی پیش می آمد که شهریاران ایرانشهری باژ و خراج را به کشور های دشمن می بخشیدند.
هرمز پادشاه ساسانی باژ روم را به قیصر می بخشد:
به قیصر چنین گوی کز شهر روم نخواهم دگر باژ آن مرز و بوم
(فردوسی، ۱۳۷۴:۸/۳۳۴)

۵-۳-۵- به نیازمندان و ارزانیان و زیردستان

کیخسرو پادشاه نیکنام و نیکومرام ایران شهری را می بینیم چه ثروت و جنگ و گوهر را به ارزانیان و
نیازمندان می بخشد:

از آن پس همه خواسته هر چه بود ز دینار و ز گوهر نابسود
به ارزانیان داد تا آفرین بخوانند بر شاه ایران زمین
(همان، ۳۴۰:۵)

مالیات («باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «کزیت»، «گزید») ... ۸۷\|\|

۶-۳-۵- به تمامی مردم جهان

بهرام گور مالیات و خراج تمامی مردمان جهان را هفت سال می‌بخشد:

نخواهم خراج از جهان هفت سال اگر زیر دستی بود گر همال

(همان، ۳۹۸:۷)

در اخبار الطول آمده است: «بهرام گور بعد از پیروزی بر ترکان و خاقان چین به پایتخت خود برگشت و خراج آن سامان را از مردم برداشت.» (دینوری، ۱۳۹۰:۸۵)

۶- باج گزاران و خراج دهندگان (باژ داران)

در نظام مالیاتی پادشاهان؛ مالیات‌های (باج و خراج) گوناگون، مهم‌ترین منبع درآمدی پادشاهان را تشکیل می‌داد. این امر باعث شده بود تا شاهان ایرانی از اقشار مختلف جامعه و مردم ایرانشهری باج و خراج بگیرند:

۶-۱- مردم داخل کشور

در زمان انوشیروان این پادشاه عدالت پیشه بر مردم فرودست اجتماعی و دستورزان شهری که با رنج تن خویش روزگار می‌گذرانیدند، باژ و خراج را نگرفت، از خزانه خود گنج و ثروت به آنها بخشید. (فردوسی، ۱۳۷۳:۸/۵۶)

۶-۱-۱- کشت ورزان و کدیوران

شاهان تا پیش از انوشیروان از کشاورزان بهره و خراگ (خراج) می‌ستانده اند اما این شهریار خوشنام همه را بر کشاورزان و کدیوران بخشید (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸/۵۸-۵۷).

۶-۱-۲- زمین داران

در زمان کسری انوشیروان؛ کشاورزانی که زمین داشتند اگر هنگام کشت و کار تخم برای کاشتن و یا گاو برای شخم زدن نداشت، از گنج شاهنشاه گاو و تخم بدو داده می‌شد و گاهی باج و خراج او بخشیده می‌شد (همان: ۵۷).

۶-۱-۳- دهقانان

دهقانان هم باژ و خراج می‌دادند. به طوری که انوشیروان دستور می‌دهد؛ بیشتر از یک درم از آن‌ها نگیرند (همان: ۵۷).

۴-۱-۶- نامداران و مهتران

نامداران و پهلوانان و مهتران و بزرگان هم مؤظف بودند به شهرياران ايرانشهري باج پيردازند. در زمان قباد؛ هر نامداری و هر مهتری مؤظف بود باج گزار باشد (همان: ۳۱).

۵-۱-۶- توانگران و ثروتمندان

توانگران و ثروتمندان بايد به شهريار ايرانشهري، ماليات و باج و خراج مي پرداختند. خسرو پرويز از گرفتن باژ و ساو از كساني كه توانگر بودند به پسرش شيرويه مي گويد (همان، ۹: ۲۶۶).

۲-۶- شهرياران

پادشاهان ايرانشهري براي آباداني و امنيت ايران زمين و داشتن غني ترين گنجينه شخصي و شاهنشاهي و دولتي؛ تنها از اقشار مختلف درون مرزي باج و خراج نمي گرفتند. شهرياران سرزمينهاي همسايه و دور دست را وادار به پرداخت باژ و ساو مي نمودند. اردشير ساساني از مجبور بودن شهرياران روم و هند و ديگر سرزمين ها به پرداخت باژ و ساو مي گويد (همان، ۷: ۱۸۰).

۷- خود داری باج گزاران از باج و خراج دهی

شهرياران ايرانشهري بنا را بر اين گذاشته بودند كه از كشور هاي دوست و گاهي متخاصم و زماني از سرزمين هاي تصرف شده و از اقشار مختلف جامعه، باج و خراج بگيرند و مي گرفتند. ولي هميشه در اين راستا موفق نبودند و باج پردازان و خراج گزاران از پرداخت باژ و ساو خودداری مي نمودند:

۱-۷- مردم نیازمند و ناتوان ايرانشهر

مردم نیازمند و فقير و ناتوان ايرانشهري وقتي كه توان پرداخت باج و خراج به پادشاهان نداشتند، و پادشاهان هم بر اين امر واقف بوده آنها را مورد عفو قرار مي دادند (فردوسي، ۷/۱۳۷۳: ۴۱۰).

۲-۷- شهرياران و پادشاهان كشورهاي دوست

پادشاه هاموران كه دوست پادشاه ايرانشهري است و دختر خود سودابه را به كيكاووس داده؛ مي خواهد كيكاووس را به هاموران بکشاند و از بين ببرد تا باژ دهنده ايرانشهري ها نباشد:

مگر شهر و دختر بماند بدوی نباشد همی بر سر یکی باژ جوی

(همان، ۲: ۱۳۴)

مالیات («باج»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۸۹\|\|

نوشاد می گوید اگر ایرانیان در مقابل کید نامی؛ توانایی و هنر دفاع از هندوستان را ندارند، چرا به ایرانیان باج و خراج پردازد:

بدان نامور ما نداریم تاو چو کاووس جوید ز ما باژ ساو
وگر چون تهی شد ز ایران هنر چه باید مرا دادن این گنج زر
(سرمدی، ۱۳۸۲: ۵۹-۵۷)

۷-۳- شهریاران و پادشاهان کشورهای دشمن

بعد از پادشاهی لهراسپ و گشتاسپ؛ همه شاهان به آنها باج و خراج می دادند به غیر از ارجاسپ تورانی:

گزیتش بدادند شاهان همه بیستش دل نیک خواهان همه
مگر شاه ارجاسپ توران خدای که دیوان بدنندی به پیشش به پای
(دقیقی طوسی، ۱۳۶۸، ۵۰)

بلعمی می گوید: «وقتی پادشاه ترکستان باج و خراج نمی داد، اسفندیار، پسر گشتاسپ، به ترکستان حمله کرد و از آنها خراج گرفت و به هر شهری باژ و ساو نهاد» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۴۶۸).
بخواهم کنون از شما باژ و ساو که دارد به پرخاش با روم تاو؟
(فردوسی، ۱۳۹۴: ۲/۲: ۶۴۰)

۷-۴- ایرانیان شهرها به ایرانی ها

زرتشت، پیامبر ایرانی، گشتاسپ را پند می دهد که چرا به ارجاسپ تورانی باج و خراج می دهد:
(دقیقی طوسی، ۱۳۶۸: ۵۳)

بهرام گور سپاه خاقان چین را غافلگیر کرده و به آنها شیخون زده و شکست می دهد. ضمن اینکه به غیر ایرانی ها باج و خراج نمی دهد؛ بلکه آنها را مجبور می کند به ایرانیان شهرها باژ و ساو بدهند.
(فردوسی، ۱۳۷۳: ۷/۳۹۳).

این بخش تاریخی دقیقاً در تاریخ بلعمی آمده است (بلعمی، ۱۳۸۰: ۶۵۴).
در تجارب الامم هم به این قسمت پرداخته شده است (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۱۴۹).

۱۱۹۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۷-۵- هم دینان و هم کیشان

شهرياران كشور هاي مختلف كه دين زرتشتي را پذيرفته اند، به اين اندیشه سياسي ايرانشهری گشتاسپ اعتراض می کنند که وقتی ما به دين شما در آمده ایم، چرا باج و خراج بپردازيم (دقیقی، ۱۳۶۸: ۸۴).

۷-۶- دبییران و درباریان (پرستندگان شهريار)

دبییران و پرستنده های دربار شهرياری از کسانی بودند که باج گزار و خراج پرداز نیز بودند. اما در زمان انوشیروان ساسانی؛ گهگاهی از دادن باج و خراج خود داری می کردند (فردوسی، ۱۳۷۳: ۵۸).

۸- مقدار و اندازه باج دهی و خراج پردازی

در روند خراج و باج گیری شهرياران ايرانشهری از مردم داخل کشور و خارج کشور (پادشاهان کشورهای دوست و کشورهای دشمن و شکست خورده و مغلوب شده از ایرانیان) به اندازه و مقدار و چند و چون آن در کتاب های تاریخی اشاره شده است. در تاریخ بلعمی؛ وضع خراج به قباد نسبت داده شده است و وصیت او بر پسرش انوشیروان در چگونگی گرفتن باج و خراج آمده است که با شاهنامه هم خوانی دارد: (بلعمی، ۱۳۸۰/۳۶۵) و (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۹۸).

۸-۱- بی اندازه و بی شمار

قیصر روم بعد از شکست سنگین از ایرانیان مجبور می شود که باج و خراج بی حد و حصر و بی شمار را به کسری انوشیروان بپردازد (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸/۹۳).

۸-۲- خروارها

بهرام گور به دستور و وزیر خویش « روزبه موبد » می گوید: از مردم ری و اصفهان خروارها باج و خراج بخواهد (همان، ۳۷۶: ۷).

۸-۳- چرم گاو

گرشاسپ بعد از گرفتن چهل چرم گاو، باژ و خراج از پادشاه قیروان، آنجا را به قصد قراطیه ترک می کند (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۰۶).

مالیات («باچ»، «باز»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۹۱۱۱۱

۴-۸- یک سوم

انوشیروان می گوید در گذشته باج و خراج یک بهره از سه یا چهار بهره بود:
سه یک بود یا چار یک بهره شاه قباد آمد و ده یک آورد راه
(فردوسی، ۱۳۷۳/۸: ۵۷)

۵-۸- یک چهارم

یک چهارم بودن باج و خراج از زبان کسری انوشیروان:
سه یک بود یا چار یک بهره شاه قباد آمد و ده یک آورد راه
(همان: ۵۷)

۶-۸- یک دهم

کسری انوشیروان می گوید که قباد باج و خراج را یک دهم کرده بود (همان: ۵۷).
در تاریخ بلعمی آمده است: «وی (کی قباد) ملکی با عدل و داد بود و جهان را آبادان کرد، و
خراج نستند مگر عشر» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۳۶۷).

۷-۸- کم تر از یک دهم

کسری انوشیروان می گوید: باج و خراج را قباد یک دهم کرد و بر آن بوده است که کم تر از یک
دهم هم بکند که مرگ مهلتش نداد (فردوسی، ۱۳۷۳/۸: ۵۷).

۹- جنس و نوع باج و خراج

شهریاران ایران شهری باج و خراج هایی که می گرفتند به صورت نقدی بود یا غیر نقدی. در تاریخ
بلعمی در پادشاهی و عدل انوشیروان آمده است: «به هر کجا درختی بارور بود از نخل تا درخت
زیتون؛ به هر درختی چیزی برنهاد و بر هر جفتی خراجی معلوم برنهاد» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۷۲۰).

۱-۹- گنج و گوهر

یکی از مهم ترین باج و خراج ایران شهری ها گنج و گوهر بود. بهرام گور به وزیرش (روزبه موبد)
دستور می دهد از شهر ری و اصفهان گنج و گوهر بگیرد (فردوسی، ۱۳۷۳/۷: ۳۷۶).

۱۹۲ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۹-۲- رز (انگور)

کسری انوشیروان از گزیت و باج رز (انگور) می گوید (همان، ۸: ۵۷).

۹-۳- خرما

غیر از انگور شهریاران ایران شهری از خرما هم باج و خراج می گرفتند (همان، ۸: ۵۷).

۹-۴- زیتون

باج زیتون هم یکی دیگر از باج و خراج هایی بود که باید مردم می پرداختند (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸: ۵۷).

۹-۵- جوز (گردو)

شهریاران ایران شهری از گردو هم باج و خراج می گرفتند (همان: ۵۷).

۹-۶- تمامی میوه ها

تنها انگور، خرما، زیتون و گردو میوه هایی نبودند که مردم باج و خراج آنها را می دادند؛ بلکه موظف بودند از هر میوه دیگری نیز باژ و ساو بپردازند (همان: ۵۷).

۹-۷- درختان (بن ها)

شهروندان ایران شهری طبق قانون شهریاران فقط برای میوه ها و گنج و گوهرها باج و خراج پرداخت نمی کردند بلکه آنها وظیفه داشتند و مجبور بودند از بن درختان هم باج و خراج بپردازند (همان: ۵۷).

۹-۸- گله و رمه

در زمان اردشیر ساسانی و پیش از او مردم دامدار و دام پرور باج و خراج می پرداختند که اردشیر خود این امر را به زبان می آورد:

چو باید شما را بیخشم همه همان ده یک و بوم و باژ و رمه

(همان، ۷: ۱۸۱)

۱۰- باج خواهان (گیرندگان باج)

باج گیران و خراج گیران کسانی بودند که مستقیماً از مردم باژ و ساو می گرفتند. عده ای هم بودند که مستقیماً دخالت نداشتند بلکه در ثبت باج و ساو نقش داشتند. افرادی هم بودند که در جمع آوری و ثبت و نگهداری آن باج و خراج ها نظارت می کردند:

مالیت («باغ»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») ... ۹۳۱۱۱

۱-۱۰-۱- کارداران

کسری انوشیروان برای گرفتن باج آنان را مأمور می کند:

یکی نامه فرمود برپهلوی پسند آیدت چون ز من بشنوی
سوی کارداران باژ و خراج پرستنده شایسته فر و تاج
(فردوسی، ۱۳۷۳: ۸: ۵۸)

۱-۱۰-۲- مرزداران

فرستاده قیصر روم به لهراسب می گوید که من مرزدار و باژ خواه خزر شده ام:

فرستاده گفت ای سخنگوی شاه به مرز خزر من شدم باژ خواه
(فردوسی، ۱۳۷۳: ۶: ۵۷)

۱-۱۰-۳- دریاداران

دریا داران و کشتیبانان هم باج و خراج می گرفتند، هم انیرانی ها باج خواه داشتند و هم ایرانشهری ها در دریا ها باج خواه داشتند (همان، ۳: ۲۲۷).

۱-۱۰-۴- مأموران خاص یا گماشتگان ویژه (پهلوانان)

مأموران خاص که گماشتگان ویژه چه از پهلوانان و چه از نامداران باج و خراج شهریاری را از مردم می گرفتند:

هرسال پادشاه کابل به رستم باژ و ساو می داد (همان، ۶: ۳۲۵).

۱-۱۱- دست اندرکاران و ناظران باج و خراج

دست اندر کاران باژ و ساو از طرف شهریار گماشته می شدند؛ برای نظارت و گرفتن باژ و ساو و ثبت و نگهداری آن در خزانه پادشاهان ایرانشهری:

۱-۱۱-۱- دستوران (وزیران)

بهرام گور به دستور و وزیر خود فرمان می دهد از مردم ری و اصفهان گنج و گوهر با عنوان باژ بگیرد (همان، ۷: ۱۸۱).

۱۱۹۴ // دوهلمانه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۱۱-۲- دهقانان

اردشیر ساسانی از گرفتن باج و خراج و یک دهم از شهرها که دهقانان و موبدان بر آن گواه و شاهد هستند، می گوید (همان: ۱۸۱).

۱۱-۳- موبدان

موبدان بزرگان دینی و روحانیان زرتشتی بودند که بر کیفیت و چگونگی باج خواهی و خراج پردازی نظارت داشتند. اردشیر به نقش موبد در گرفتن باج و خراج اشاره می کند (همان، ۷: ۱۸۱).

۱۱-۴- گنجوران

انوشیروان فرمان می دهد که چگونگی و کیفیت گرفتن باج و خراج در سه دفتر نوشته شود: یکی بر دست گنجور، دومی وزیر (دستور) و سوم موبد سپرده شود:

به سه روزنامه به موبد سپرد	گزیت و خراج آنچه بد نام برد
نگهبان آن نامه دستور بود	یکی آن که بر دست گنجور بود
به هر نامداری و هر مهتری	دگر تا فرستد به هر کشوری

(همان، ۵۸:۸)

۱۱-۵- مهتران و نامداران (بزرگان و پهلوانان)

کسری انوشیروان می خواهد که بعد از ثبت باج و خراج به هر نامدار و مهتر کشور ایران شهر فرستاده شود (همان: ۵۸).

۱۲- محل ثبت خراج و باج

هر گونه و هر نوع باژ و ساوی که گرفته می شد در دیوان و یا در روزنامه ثبت می شد.

۱۲-۱- دیوان

کسری انوشیروان از دبیر می خواهد تا در دیوان ثبت کند:

دبیر و پرستنده شهریار	نبود به دیوان کسی زین شمار
گزیت و خراج آنچه بد نام برد	بسه روزنامه به موبد سپرد

(همان: ۵۸)

روزنامه نیز دفتری بود که شهریاران ایران شهری باج و خراج را در آن ثبت می کردند (همان: ۵۸).

نتایج مقاله

در اندیشه های ایران شهری ها مالیات (باج و خراج) امر تعریف شده ای بوده که از دوران اساطیری آغاز شده و در دوره تاریخی (عصر ساسانیان) به اوج خود رسیده است.

شهریاران ایران شهری از سرزمین های مختلف و شاهان کشورهای دوست وابسته و یا متخاصم و دشمن به روش های متعددی از جمله رفق و مدارا، صلح و دوستی و گاهی نیز با تهدید و ارباب وزمانی هم با روی آوردن به جنگ و خونریزی مالیات (باج و خراج) می گرفتند.

حداقل مدت زمان برای پرداخت مالیات (باج و خراج) سه بار و حداکثر یک بار در سال بود. گاهی شهریاران ایران شهری مالیات (باج و خراج) را بر مردم می بخشیدند.

اقشار مختلف مردم جامعه کشاورزان، زمین داران، دهقانان، بزرگان، و ثروتمندان موظف به پرداخت مالیات (باج و خراج) بودند.

مالیات (باج و خراج) در دستگاه های دولتی (شاهنشاهی) یک قانون مدون و تعریف شده ای بود و در اندیشه های سیاسی ایرانیان اهمیت داشت. برای آبادانی و امنیت کشور، کوتاه کردن دست بیگانگان، جلوگیری از تجاوز دشمنان به سرزمین ایران و برای داشتن سپاهی منظم و مقتدر و کارآمد مورد استفاده قرار می گرفت. شهریاران ایران شهری برای جمع آوری و گرفتن مالیات بازرسان، ناظران و ماموران ویژه ای داشتند که در دیوانی مخصوص ثبت می شده است.

۱۳۹۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره نجاه و یکم

کتابشناسی

ابن بلخی. (۱۳۷۴). **فارسنامه**، تصحیح و تحشیه فسایی، منصور رستگار، چاپ نخست، شیراز، بنیاد فارس شناسی.

اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). **گرساسپ نامه**، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ اول، تهران، کتاب خانه بروخیم.

بلعی، ابوعلی، محمد. (۱۳۸۰). **تاریخ بلعی**، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش پروین گنابادی، محمد، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار.

دقیقی طوسی، ابو منصور محمد ابن احمد. (۱۳۶۸). **دیوان دقیقی طوسی**، به اهتمام: محمد جواد شریعت، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.

دینوری، ابو حنیفه، احمد بن داوود. (۱۳۹۰). **اخبار الطوال**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.

رواقی، علی. (۱۳۹۰). **فرهنگ شاهنامه**، ۲ جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر. سردی، مجید، مصحح. (۱۳۸۲). **فرا مرز نامه** (مؤلف ناشناس)، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فردوسی. (۱۳۷۳). **شاهنامه**، ۴ جلدی (از روی چاپ مسکو) به کوشش و زیر نظر: سعید حمیدیان، چاپ اول، تهران، نشر قطره.

فردوسی. (۱۳۷۶). **شاهنامه**، ۸ جلدی، (ژول مول)، چاپ پنجم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر. فردوسی. (۱۳۹۴). **شاهنامه** ۴ جلدی، ویرایش: جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.

مختاری غزنوی، عثمان. (۱۳۷۷). **شهریار نامه**، به کوشش و اهتمام غلامحسین بیگدلی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۶۵). **التنبیه و الاشراف**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

مسکویه رازی، احمد بن محمد. (۱۳۶۹). **تجارب الامم**، جلد یکم، ترجمه: نصرالله امامی، چاپ اول، تهران، سروش.

عرب، حسنعلی و صادقی، حسین. (۱۳۹۲). «برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی»، پژوهش نامه تاریخ، سال هشتم، شماره ی سی و دوم، تهران، صص ۸۹-۱۰۹.

مالیت (باج، باث، خراج، ساو، گزیت، گزید) ... ۹۷\|\|

میرزایی، علی اصغر. (۱۳۹۴). « بررسی نظام مالیاتی ساسانی واصلاحات مالی خسرو انوشیروان»

فصل نامه پژوهش های تاریخی، سال هفتم، شماره دوم، تهران، صص ۱۲۴-۱۰۹.